



■ یادداشت معرفی کتاب

تاریخ هشتاد ساله دانشکده فنی دانشگاه تهران
داستان یک خانه، داستان یک سرزمین

■ اثر دکتر مقصود فراستخواه

معرفی و تحلیل: سیدعلی پزشکی اردکانی^۱

کتاب «تاریخ هشتادساله دانشکده فنی دانشگاه تهران» اثر آقای دکتر مقصود فراستخواه استاد مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی است که در سال ۱۳۹۳، در ۴۲۳ صفحه توسط نشر نی و کانون مهندسیین فارغ‌التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تهران نوشته و منتشر شده است.

در این کتاب ضمن برشمردن پیشینه تمدنی آموزش مهندسی در ایران، با نگاهی تاریخی، داستان دانشکده فنی دانشگاه تهران از منظر اسناد و روایت‌ها بازگو می‌شود. در این داستان، آمار و اطلاعات اعضای هیئت علمی و مدرسان دانشکده و همچنین دانشجویان و جنب و جوش آنان در گذر تاریخ هشتاد ساله دانشکده ارائه و سیر شکل‌گیری و ادامه فعالیت، تأثیرات و خدمات اجتماعی، تنش‌های سیاسی و آکادمیک و پداگوژی و تکنولوژیک دانشکده در پیش از انقلاب اسلامی و نیز در دوران پس از انقلاب، که نویسنده به ۸ دوره تقسیم و طبقه‌بندی کرده است، بررسی و تجزیه و تحلیل می‌شود. در تحلیل تحولات ادوار مختلف دانشکده، ویژگی‌های برجسته دانشکده فنی در دوران درخشش و نیز برخی نقاط افول درخشش دانشکده - هم از نظر استادان و دانش‌آموختگان دانشکده و هم از دید نویسنده - تشریح می‌شود.

فراستخواه در این کتاب و در نگاه تاریخی خود، به مسئله کیفیت و پداگوژی و توسعه پداگوژی

توجه دارد و مسئله و دغدغه‌اش «اوج دانشکده» است. لذا مؤلفه‌های کیفیت را با تحلیل اسناد و تبیین دیدگاه‌های بسیاری از راویان، برجسته و مطرح می‌کند.

در نگاه نویسنده، اوج درخشش دانشکده به دهه ۱۳۴۰ تا نیمه اول دهه ۱۳۵۰ برمی‌گردد (صفحه ۲۹۶). در فصل ششم کتاب روایات مختلفی از دیدگاه دانش‌آموختگان دانشکده درباره ویژگی‌های زمان درخشش دانشکده بیان می‌شود. دورانی که رفته‌رفته و با ظهور و بروز عواملی که برخی از مهم‌ترین آن‌ها در ادامه می‌آید، کم‌رنگ می‌شود. از مؤلفه‌های مورد توجه نویسنده در این اثر می‌توان موارد ذیل را برشمرد:

«استقلال آکادمیک» دانشکده فنی در دوران اوج، علی‌رغم تمایلی که حکمرانان برای کنترل دانشگاه داشتند، از نقاط قوت دانشکده بوده است (صفحه ۲۱۳). البته به زعم نویسنده مسئله استقلال آکادمیک و تلاش‌های بیرون از دانشگاه برای کنترل دانشکده در همه ادوار دانشکده و دانشگاه یکی از مسائل اساسی بوده است.

«انتخابی بودن» رؤسای دانشکده‌ها و مدیران گروه‌ها از دیگر ویژگی‌هایی است که مورد نظر نویسنده قرار می‌گیرد. فراستخواه در صفحه ۲۲۱ می‌نویسد: «در دانشکده فنی، شورای دانشکده قدرت مهمی بود و رئیس دانشکده با هماهنگی این شورا به کار مدیریت می‌پرداخت. شورا متشکل از رئیس، معاون آموزشی، معاون اداری و مالی، مدیران انتخابی گروه‌های آموزشی و نمایندگان آن گروه‌ها بود. چه اختیاری مشروع‌تر و کارآمدتر از این برای اداره یک نهاد علمی». در این باره نقل قولی از «عدالت» آمده است که اظهار می‌دارد: «مدیران دانشکده استقلال داشتند. در سال‌های بالا متوجه شدیم که دانشکده انتخابات داشت. استادان رئیس تعیین می‌کردند و این نیز نه با باندبازی بلکه براساس لیاقت علم و تجربه و مدیریت بود. این یک سنت نیرومند بود...».

اما یکی از دغدغه‌های مهمی که مطرح می‌شود پدید آمدن «نوعی بوروکراسی» اداری در دانشگاه و در دانشکده‌ها از جمله دانشکده فنی است که در چارچوب «سازمان مرکزی دانشگاه» بر فضای دانشکده سایه می‌اندازد (صفحه ۲۱۵). این دیوانسالاری تا به امروز نیز به انحاء مختلف ادامه پیدا کرده است. در بخش پنجم کتاب، نمونه‌ها و مثال‌هایی از این بوروکراسی شرح داده شده است. به‌طور کلی می‌توان اظهار داشت که سایه سیاست و مناسبات بوروکراسی نفتی در قبل از انقلاب اسلامی و نسبت‌ها و روابط جناحی و ایدئولوژیک دولت‌ها در بعد از انقلاب، مدیریت دانشکده را به حال خود رها نکرده است.

یکی دیگر از مؤلفه‌هایی که به عنوان نقاط قوت مطرح می‌شود ایجاد «ساختارهای علمی» در دانشکده و تشکیل جلسات سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و مدیریت در درون دانشکده به‌طور دقیق و منظم است که حاصل آن اتخاذ تصمیمات علمی و قرار گرفتن دانشکده در مسیر اوج و شکوفایی بوده است. فصل پنجم کتاب چگونگی شکل‌گیری این ساختارها و ویژگی‌های آن را شرح می‌دهد.

«سبک رهبری» رؤسای دانشکده در ادوار گوناگون نیز یکی دیگر از مؤلفه‌های مثال‌زدنی است که به عقیده نویسنده نقش مهمی در دوران حیات دانشکده فنی دانشگاه تهران داشته است. در صفحات ۲۴۱ تا ۲۴۹ نمونه‌های مشخصی از سبک رهبری رؤسای دانشکده آمده است.

«نظم سازمانی هنجارگرا و در عین حال سرحال» از دیگر مشخصه‌هایی است که به عنوان یکی از مهمترین وجوه یک فرهنگ سازمانی ریشه‌دار و تاریخ‌دار مطرح می‌شود که این نظم در دوران جوانی و بلوغ دانشکده چشم‌گیر بوده است (صفحه ۲۴۹). از نظر راویان، این دانشکده سرشار از اسطوره‌های نظم بوده است. نظمی که از نظام دانشگاهی اروپایی بخصوص فرانسه الگوبرداری شده است. «انضباط و دیسپلین دانشگاهی» از دیگر شاخصه‌هایی است که مورد توجه نویسنده است (صفحه ۴۱۰).

بنابراین می‌توان گفت که دانشکده با حفظ و گسترش هنجارهای دانشگاهی و روابط دو سویه استاد-شاگردی و سبک رهبری مناسب و نظم سازمانی، یک «فرهنگ سازمانی خاص» خود پدید آورده که نویسنده از آن به عنوان «منطقه امن دانشکده» نام می‌برد که این منطقه، منطقه‌ای آزاد برای خردورزی و آگاهی و آزادی و رؤیای آبادی است (صفحه ۲۵۳). با توجه به این نکات می‌توان گفت که دانشکده فنی از هویت حرفه‌ای و نمادین برخوردار بوده است (صفحه ۲۹۳).

وجود «نگاه کل‌نگر» در دانشکده از دیگر امتیازات دوران اوج آن است. هدف دانشکده آموزش و تربیت مهندس به معنای تمام و کمال حرفه‌ای با یک نگاه جامع علمی بوده است که به عنوان مثال هم مهندس عمران خوب، هم مهندس عمومی خوب و هم طراح و مدیر خوب تربیت کند (صفحه ۴۰۹). «نفوذ معنوی استادان و منزلت و امنیت اجتماعی» آنان از دیگر مؤلفه‌هایی است که راویان به عنوان نقاط قوت دانشکده از آن نام می‌برند (صفحه ۴۱۰).

«هویت صنفی دانشجویان»، خودتنظیم بودن آنها و اداره بسیاری از امور دانشجویی از دیگر ویژگی‌هاست به طوری که در بسیاری موارد دانشجویان، مشکلات مسکن، مشکلات تحصیل و حتی مشکلات خصوصی دیگر دانشجویان و دوستانشان را حل و فصل می‌کردند (صفحه ۴۱۷).

ابعاد مختلف «تأثیر اجتماعی» دانشکده نیز به عنوان یکی دیگر از مؤلفه‌ها در فصل ششم کتاب به طور کامل مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در مصاحبه‌هایی که با استادان و دانش‌آموختگان دانشکده صورت گرفته، جملگی انتظار داشته و دارند که دانشکده علاوه بر نقش آموزشی و پژوهشی (تولید و انتقال دانش) بتواند نقش و کارکرد اجتماعی مؤثری هم ایفا کند. البته پرورش سرمایه‌های فکری ایران در بسیاری از زمینه‌ها یکی از این تأثیرات اجتماعی دانشکده بوده است. این‌ها نه تنها خود سرمایه بوده‌اند بلکه نیروی انسانی متخصص و لایق نیز تربیت کرده‌اند. لذا اعتبار اجتماعی دانشکده در دوران زرین حیاتش همواره از نقاط قوت و جالب توجه بوده است.

«یادگیری و تغییر و تحول خواهی و پویایی» نظام آموزشی از دیگر مؤلفه‌های برجسته‌ای است که راویان به آن اشاره می‌کنند. آنان تأکید می‌کنند که دانشکده در دوران اوج خود، دانشجویان سطح بالا و همه

در یک سطح داشته است. سهمیه‌ها وجود نداشته است. دانشجویان علاقمند و خوساخته بوده‌اند. کل دانشکده یکپارچه بوده است. بیگانگی میان اعضای هیئت علمی وجود نداشته است. تمرکزگرایی نبوده است. تعاملات بیرونی دانشکده در سطح جامعه، در صنعت، در دیگر دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها، در سطح ملی و بین‌المللی مطلوب و مثمر‌تر بوده است که اینها همه از ویژگی‌های یک سیستم و فرهنگ دانشگاهی خاص و پویاست (جبه‌دار، گتمیری، نیکخواه بهرامی؛ صفحات ۲۹۸ تا ۳۰۲).

با عنایت به روایات مطرح‌شده و اسناد ارائه‌شده در کتاب و نیز توجهات نویسنده می‌توان گفت که در ادوار مختلف دانشکده فنی؛ علم‌آموزی هست، درس‌ورزی و کارآموزی و فناوری هست، حرفه‌ای‌گری هست، مبارزه و سیاست و جنبش‌های سیاسی و اجتماعی هست، مدیریت اجرایی و فکر انتقادی هست، نظریه و آزمایش و تجربه هم هست.

در این تاریخ عوامل اثرگذار بر افت دانشکده نیز مطرح است که باعث شده «فنی» از دوران درخشش و اوج فاصله بگیرد. به برخی از آنها در فوق اشاره شد. به‌طور کلی روایان: تمرکزگرایی ناکارآمد نظام آموزش عالی؛ فقدان شایسته‌سالاری؛ به هم ریختگی نهادها و ساختارها و نظم‌ها و روال‌ها و قواعد و دخالت‌های انواع متولیان بیرونی، شیوه‌های حذفی، فضای پوپولیستی، مداخلات مرکزی در پذیرش دانشجو، بوروکراسی ملال‌آور، دفع و مهاجرت استادان، سرخوردگی ناشی از عملکردها، دولت‌سالاری و تضعیف بدنه آکادمیک به نفع مدیریت‌های سیاسی، سایه سیاست و ایدئولوژی بر علم، مداخله نهادها و استخدام‌های سفارشی را از مهمترین عوامل قلمداد می‌کنند که علت آن را می‌توان هم در سیاست و فرهنگ و اقتصاد و زمینه‌های جامعه، و هم در داخل دانشکده، جستجو کرد. هرچند روایان همه را به عوامل بیرونی ارتباط می‌دهند (جبه‌دار، گتمیری، نیکخواه بهرامی، شریعتی نیاسر؛ صفحات ۲۹۸ تا ۳۰۲).

با این همه نویسنده در بخش پایانی کتاب، با عنوان حاصل سخن، تأکید می‌کند: «یادگیری علمی و حرفه‌ای و مدیریتی همواره زیرپوست دانشکده فنی جاری بوده و هست و فنی‌ها در جستجوی آنند. اما شتاب تحولات منتظر کسی نمی‌ماند. موفقیت‌های گذشته باوری است که باز هم می‌توان به آن رسید. تاریخ دانشکده فنی، تاریخ پیروزی‌ها و شکست‌ها و گسست‌ها و عبرت‌ها بوده است. بنابراین باید با درک درست به آینده نظر کرد» (صفحه ۴۲۲).

در پایان باید تأکید شود که تألیف کتاب حاضر خود یکی از تلاش‌های مؤثر برای فهم مفهوم دانشگاه و تلاش برای ارتقاء کیفی آن است و گفتگوی میان نسل‌های پیشین و امروزی می‌تواند افقی برای کشف آینده و خلق آینده بگشاید. تشکیل سازمان داوطلبانه و غیردولتی دانش‌آموختگان و کانون فارغ‌التحصیلان دانشکده فنی نیز از دیگر اقدامات مهم برای نیل به این منظور بوده است.